

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ  
سال دوم، شماره‌ی پنجم، پاییز 1389، صص 143-169

## آسیب‌شناسی آموزش تاریخ در نظام تعلیم و تربیت ایران

«بررسی موردی عصر قاجار تا پایان دوره رضاشاه»

دکتر محمدرضا عسکرانی<sup>1</sup>

### چکیده

تاریخ در شمار پیچیده‌ترین رشته‌های علوم انسانی است که امروزه ایجاد تحوّل در آنها مدنظر قرار دارد. در این پژوهش با هدف آسیب‌شناسی درس تاریخ، به اسناد، روزنامه‌های قدیمی و کتاب‌های درسی تاریخ مراجعه گردیده و به روش «اسنادی» و «توصیف تاریخی» تلاش شده تا مسایل آسیب‌زای آموزش این رشته ریشه‌یابی گردد.

جامعه آماری پژوهش تمامی کتاب‌های درسی از آغاز تا پایان دوره رضاشاه است که پژوهشگر در یک تحقیق آکادمیک آنها را بررسی نموده و در این نوشتار تنها به برخی نتایج آنها استناد کرده است.

در مجموع این بررسی نشان داد: کتاب‌های درسی تاریخ اگرچه از مهم‌ترین وسایل آموزشی در دوره مورد بررسی بوده‌اند؛ لیکن کاستی‌هایی هم داشته‌اند. پابندی معلمان به روش‌های سنتی،

---

1- عضو علمی دانشگاه پیام‌نور مرکز زاهدان [askarani88@yahoo.com](mailto:askarani88@yahoo.com)

تاریخ دریافت: 89/11/18 تاریخ تایید: 90/3/9

رواج باستانگرایی افراطی و روند رو به فزونی دخالت دولت در امر آموزش تاریخ، از مهمترین موانعی بوده که به آموزش مطلوب این درس آسیب رسانده است.

### کلیدواژه‌ها:

آموزش تاریخ، کتاب‌های درسی، آسیب‌شناسی درس تاریخ، دوران معاصر

### مقدمه

در دوره معاصر تغییرات گسترده‌ای در زندگی اجتماعی مردم ایران پدیدار شد؛ ولی به دلیل استواری الگوهای تربیتی برخاسته از باورهای دینی و ملی، جایگزینی جنبه‌های مختلف تعلیم و تربیت نوین با نظام آموزش سنتی به راحتی امکان‌پذیر نبود. نظام آموزشی در هر بار دست به دست شدن قدرت، دگرگون گردیده و از هم می‌پاشید. این گسست‌ها نه تکامل تدریجی بنیان‌های آموزشی گذشته را مجال می‌بخشید و نه توش و توانی برای جذب جنبه‌های مثبت تعلیم و تربیت نوین باقی می‌گذاشت. بازشناسی رویکرد به درس تاریخ در تعلیم و تربیت معاصر ایران، رهیافتی برای آسیب‌شناسی این رشته خواهد بود تا زمینه پاره‌ای از گزلی‌های کنونی آموزش تاریخ ریشه‌یابی گردد.

### کتاب‌های درسی و شیوه تدریس تاریخ

استفاده از کتاب درسی چاپی تحوّل در امر آموزش بود. همین که فراگیران را از رنج رونویسی و نویسندگان را از زحمت نسخه‌برداری می‌رهانید، کمک بزرگی برای آموزش بود. بررسی محتوایی نخستین کتاب‌های درسی تاریخ نشان می‌دهد که شمار اندکی از نویسندگان به روش تدریس کتاب‌شان اشاره کرده‌اند.<sup>1</sup> مؤلفانی هم که در آثارشان به روش تدریس تاریخ اشاره کرده‌اند، به انتقاد از «جزوه نویسی» بسنده نموده، بیشتر به برشمردن نوآوری‌های آموزشی کتاب‌های‌شان مبادرت ورزیده‌اند.

1- محمدرضا عسکرانی، آموزش تاریخ در روند نظام تعلیم و تربیت ایران [چاپ نشده]، ص 331.

یکی از نویسندگان دوره رضاشاه شیوة تدریس تاریخ را چنین مورد انتقاد قرار داده است:

«محتاج به بیان نیست که به واسطه نداشتن تألیفی کامل در تاریخ، کلیه دبیران ناچار به آن هستند که مطالب خود را به صورت جزوه برای دانش‌آموزان قرائت و آنان هم یادداشت بردارند و به همین مناسبت مقداری از وقت گران‌بهای محصلین به نوشتن مصروف می‌شود. من هم مطابق معمول یک سلسله مطالبی را به عنوان یادداشت به دانش‌آموزان خود می‌دادم؛ ولی در عرض سال به این مسأله پی بردم که همین قضیه جزوه گفتن و جزوه نوشتن علاوه بر آن که اغلبی از دبیران را به استفاده از زحمات و تبعات دیگران و به کار نینداختن قوه جدیت و فعالیت شخصی عادت می‌دهد، دبیر و دانش‌آموزان را کم‌تر به اختلاط و آمیزش با یکدیگر و بالتیجه مباحثه در مسایل مختلفه مربوط به درس همان دبیر وادار می‌نماید».<sup>1</sup>

یکی دیگر از معلمان تاریخ در این زمینه می‌نویسد:

«چون در قسمت تاریخ عمومی کتاب‌های مطبوع موجود را تا حدی موافق با قوه محصلین و پروگرام ندیدم، قسمت عمده درس خود را از خارج به شاگردان دیکته می‌نمودم. دو سال قبل بنا به خواهش جمعی از محصلین، یادداشت‌های مزبور را جمع و... به طبع رساندم...».<sup>2</sup>

دانش‌آموزان هم از این وضعیت ناخرسند بودند. خواهش آنان از معلم‌شان برای تدوین مطالبی که ساعت‌های متمادی معلم گفته و آنها نوشته بودند، شاید نشانه رنجی باشد که در این کلاس‌ها بر خود هموار کرده‌اند. جزوه‌گویی زیان‌دیگری هم داشت. با حجم بالای موضوعاتی که برای برنامه درسی تاریخ دبیرستان‌ها پیش‌بینی شده بود، امکان تدریس تمامی سرفصل‌ها فراهم نمی‌آمد. در یکی از کتاب‌های درسی تاریخ نویسندگان به این موضوع چنین اشاره کرده‌اند:

---

2- عباس پرویز، تاریخ اروپا در قرون وسطا از اوایل هجوم وحشی‌ها به اروپا تا فتح قسطنطنیه توسط سلطان محمد فاتح [جلد اول]، مقدمه.  
1- ؟ عزت پور، تاریخ عمومی؛ برای سیکل اول دبیرستان مشتمل بر تاریخ ممالک مصر، کلد و آشور، بنی اسرائیل، یونان، روم، عرب و قسمتی از تاریخ ایران از سلسله صفاری تا روی کار آمدن سلاجقه، دیباچه.

«...در مدت سه چهار سال تدریس علوم تاریخ و جغرافیا، واضح شد که با نبودن کتاب صحیحی که شامل تمام خصوصیات پروگرام باشد، تدریس کمی مشکل و بیش‌تر اوقات دانش‌آموزان به جزوه‌نویسی صرف گردیده و در نتیجه موادی کم‌تر از میزان پروگرام تدریس می‌گردد...»<sup>1</sup>

آفت جزوه‌گویی میراثی از روش «املا» در تعلیمات سنتی است که در پس‌زمینه نظام آموزشی جدید نیز باقی‌مانده؛ زیرا با وجود دسترسی آسان به کتاب‌های درسی، امکانات تکثیر و وجود تجهیزات رایانه‌ای، هنوز هم می‌توان طنین «جزوه‌گویی» را در برخی کلاس‌های درس شنید.

«دوره کردن» از دیگر روش‌های تدریس تاریخ بود. این شیوه بیش‌تر به اصل روان‌شناسی «نبودن منع مؤثر در آینده» برای یادآوری مطالب تکیه می‌کرد. برخی معلمان برای بهبود نمرات شاگردان، مطالب را فشرده‌تر تدریس می‌کردند تا چند جلسه زودتر از آغاز امتحانات، کتاب به پایان رسیده و در جلسات باقی‌مانده، از آغاز تا پایان مطالب را «دوره» نمایند. در این بازخوانی‌ها، بخش‌هایی از درس مورد تأکید قرار می‌گرفت و شاگردان برای فراگرفتن بخش‌هایی که معلم مشخص می‌کرد، بیشتر می‌کوشیدند. یکی از دبیران تاریخ در این مورد می‌نویسد:

«دوره و پرسش تنها برای استفاده دانش‌آموزان کافی نیست و بلکه می‌توان گفت که تا اندازه‌ای بی‌مورد و غلط است. چه، دانش‌آموز از روی میل و شوق شخصی...درس خود را یاد نمی‌گیرد؛ بلکه به واسطه ترس و بیش‌تر بر اثر رقابت و حسادت و... اخذ نمره عالی‌تر موقتاً برنامه خود را حفظ می‌نماید و چند روزی نمی‌گذرد که حتی مختصر‌اثری از آن در خاطرش باقی نمی‌ماند...»<sup>2</sup>

نظریه‌های جان دیویی، انقلابی در روش‌های اداره کلاس در آغاز قرن بیستم میلادی بود. به نظر وی به جای انجام فعالیت‌هایی نظیر خواندن و نوشتن که انضباط راکدی را در کلاس به وجود می‌آوردند، معلم باید از فعالیت‌های فوق‌برنامه کمک بگیرد تا با ایجاد روحیه

2- بهمن کریمی و رضا فاضلی، دوره تاریخ [کتاب اول]؛ شامل خصوصیات تاریخ مصر، کلد و آشور، بنی اسرائیل، فنیقیه، یونان، مقدمه.  
3- عباس پرویز، پیشین، مقدمه.

پرسشگری در دانش‌آموزان، نیروی خلاقیت آنان را بارور سازد.<sup>1</sup> در همین سال‌ها برای آموزش تاریخ «مارک بلوک» مورخ فرانسوی با «امیل دورکهم» جامعه‌شناس دست به دست هم داده، در جهت اصلاح روش‌های نوشتن و آموزش تاریخ در فرانسه، کوشش می‌کردند.<sup>2</sup> این در حالی بود که از چند دهه قبل در فرانسه افرادی مانند «شارل سینیوس»، «ویکتور دوروی» و «ارنست لایویس» با تدوین کتاب‌های درسی تاریخ مطابق اصول تعلیم و تربیت نوین، گام‌های مؤثری را برداشته بودند<sup>3</sup> و تلاش‌های افرادی چون «مارک بلوک» برای بهبود آموزش تاریخ بر شالوده دستاوردهای آنان ادامه می‌یافت. چنین اندیشه‌هایی با آنچه در مدارس ایران مرسوم بود، فاصله بسیار داشت. معلمانی که در غرب تحصیل کرده بودند، به سهم خود، پیام‌آور این نگرش‌ها شدند و گاهی هم موجب تغییر روش متصدیان آموزشی گردیدند؛ ولی برای نهادهای شدن شیوه‌های نوین در تدریس تاریخ هنوز باید راه زیادی پیمود.

اولین کتاب‌های درسی تاریخ از فرانسه به فارسی برگردانده شدند و به طور طبیعی گذرگاه انتقال روش‌های تدریس اروپایی در ایران گردیدند. برای مثال، در کتاب «ملل قدیمه مشرق»<sup>4</sup> ابتدا ویژگی‌های جغرافیایی تمدن‌ها به کوتاهی توصیف شده و سپس مطالب تاریخی آمده است. همین امر می‌توانست رهنمودی برای شیوه ارائه مطالب باشد. در لابلای یکی از نسخه‌های مورد بررسی این کتاب، قطعه کاغذی ملاحظه گردید که نقشه اجمالی «میان دو رود باستان» با مداد روی آن ترسیم شده و به نظر می‌رسید که یادداشت‌برداری یکی از دانش‌آموزان در کلاس باشد. از آن جا که در آن سال‌ها کتاب‌های درسی مورد استفاده دانش‌آموزان مختلفی قرار می‌گرفت و دست به دست می‌شد، نمی‌توان مشخص کرد که این یادداشت‌برداری چند سال پس از تدوین کتاب صورت گرفته است؛

1- فردریک مایر، تاریخ اندیشه‌های تربیتی، ج 2 ص 486 و 490.

2- مارنی هیوز وارینگتن، پنجاه متفکر کلیدی در زمینه تاریخ، ص 37.

3- Encyclopedia Britannica Library: Charles [www.Encyclopedia.com](http://www.Encyclopedia.com) Duruy &

Seignobos and Victor

4- محمدعلی فروغی، تاریخ ملل قدیمه مشرق.

ولی روشن می‌کند که دبیران تاریخ از نقشه‌های تاریخی برای تدریس سود می‌برده‌اند و طرحی از مکان جغرافیایی رویدادهای تاریخی را روی تخته‌سیاه ترسیم کرده، از روی آن تدریس می‌کرده‌اند. در چاپ دوم همین کتاب مطالبی درباره‌ی فواید و اهمیت تاریخ نوشته شده که در چاپ اول وجود ندارد. شاید مترجم بعدها ضرورت ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان را احساس کرده و بخش‌هایی از متن اصلی را که در چاپ اول غیرضروری تشخیص داده و حذف کرده بود، در چاپ‌های بعدی به متن افزوده است.

بررسی آماری 97 کتاب درسی تاریخ نشان می‌دهد گنجانیدن مطالبی پیرامون مبانی نظری تاریخ در دوره‌ی قاجار بیش از آغاز دوره‌ی پهلوی مورد توجه بوده و همین امر آشکار می‌سازد کوشش نویسندگان کتاب‌های درسی تاریخ برای ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان از طریق آشنا کردن آنان با کلیات و فواید علم تاریخ به مرور کمتر شده است؛ چنانکه اگر در دوره‌ی قاجار 42/4 درصد کتاب‌های دوره‌ی ابتدایی و 33/3 درصد کتاب‌های دوره‌ی متوسطه به فلسفه و جنبه‌های نظری علم تاریخ پرداخته‌اند، این میزان در دوره‌ی رضاشاه به 15/4 درصد کتاب‌های ابتدایی و 19 درصد کتاب‌های متوسطه کاهش یافته است.<sup>1</sup>

از همان سال‌های نخست آموزش رسمی تاریخ، به تقلید از کتاب‌های درسی غربی، تصاویر تاریخی مختلفی در لا به لای مطالب به چاپ می‌رسید. این تصاویر خیالی یا حقیقی که ترسیم آنها با وجود دشواری‌های چاپ سنگی کار آسانی هم نبود، به درس‌ها جان می‌بخشیدند و فراگیران با لذت به آنها چشم می‌دوختند. این موضوع به اندازه‌ای اهمیت داشت که وجود تصاویر تاریخی کتاب، گاهی در عنوان اثر هم مورد تأکید قرار می‌گرفت.<sup>2</sup>

در سال 1316 ش. وزارت فرهنگ تعدادی عکس از بناهای تاریخی در اندازه‌ی پوستری تهیه

کرد و برای مدارس فرستاد. در دستورالعمل وزارت مورخ 1316/11/10 چنین دستور داده شد:

1- محمدرضا عسکرانی، پیشین، ص 328.

2- سیدعلی خان، تاریخ عمومی مصور و محمدعلی فروغی، دوره‌ی مختصر تاریخ ایران؛ دارای تصاویر متعدده با هشت صفحه نقشه رنگین برای متعلمین مدارس ابتدایی و اتاق‌های اول مدارس علمی.

«آقای رییس معارف و اوقاف - مقتضی است؛ دستور دهید، تابلوهای آثار تاریخی که برای دبیرستان‌ها و دبستان‌های آن حوزه فرستاده شده [را] قاب نموده و روی آن شیشه انداخته [و] در سالن کنفرانس و کتاب‌خانه و اتاق دبیران و آموزگاران و کلاس‌ها در محل مناسبی نصب نمایند. ضمناً دستور دهید: دبیران و آموزگاران تاریخ و جغرافی کنفرانس‌های هفتگی خود را در هر هفته منحصرأ به دادن توضیحات لازم در باب هر یک از تابلوهای آثار تاریخی [معطوف] نمایند که دانش‌آموزان از اهمیت و وضعیت هر یک کاملاً آگاه باشند...»<sup>1</sup>

این دستورالعمل و رسیدن تصاویر تاریخی در دسر بزرگی را برای اداره‌های معارف استان‌ها ایجاد کرد. اسناد موجود نشان می‌دهد که دست‌کم استان‌های بزرگی مانند آذربایجان شرقی، اصفهان، خراسان و فارس چون آخر سال بود، برای اجرای این بخش‌نامه گرفتار کسری بودجه شدند.<sup>2</sup> البته رؤسای معارف برخی استان‌ها با شتاب سخنرانی‌هایی را ترتیب دادند؛ زیرا در بخش‌نامه اشاره شده بود: «ممکن است مقام وزارت متبوع در اواخر اسفند برای سرکشی به مؤسسات معارفی عازم آن حوزه باشند...» و ایشان می‌خواستند چنانچه هنگام ورود احتمالی وزیر از قاب و شیشه اثری نبود، دست‌کم چند سخنرانی در این زمینه برگزار برگزار کرده باشند. برای مثال، رییس اداره معارف فارس به دو تن از دبیران تاریخ دستور داد در مورد تصاویر آثار تاریخی مذکور دو سه سخنرانی ترتیب دهند و برای هر یک از پوسترها نیز به قدر یک صفحه اطلاعات تاریخی تهیه نمایند تا رونوشت آن برای دبستان‌های اطراف فرستاده شود.<sup>3</sup>

شاید شگفت‌آور جلوه کند که مگر فرستادن یک مجموعه 10 عددی از عکس‌های سیاه و سفید تخت جمشید، آرامگاه‌های کورش و داریوش، سعدی، طاق‌بستان، نقش‌رستم، بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، مسجدشاه و چهلستون اصفهان و مرقد امام رضا (ع) که امروزه زینت بخش بسیاری از محصولات آموزشی و فرهنگی است، چه اندازه اهمیت داشته که برای آن بخش‌نامه صادر

3- سازمان اسناد و کتاب‌خانه ملی ایران، سند شماره: 297030218.

1 و 2- سازمان اسناد و کتاب‌خانه ملی ایران، سند شماره: 297030218.

و با آب و تاب تبلیغ کنند! ولی حقیقت این است که در آن زمان تلویزیون وجود نداشت و در سینماهای انگشت‌شمار پایتخت و یکی دو شهر ایران هم فقط فیلم‌های صامت غربی نمایش داده می‌شد. از طرفی به دلیل پایین بودن سطح زندگی سفر به شهرهای مختلف ایران و مشاهده این آثار برای بسیاری از دانش‌آموزان امکان‌پذیر نبود؛ بنابراین، تصاویر مزبور در حقیقت غنیمتی به حساب می‌آمد. دست‌کم این تصاویر آن روزها این اندازه مهم بود که «اسماعیل مرآت» وزیر فرهنگ دستور دهد: متن سخنرانی‌های یکی از فرهنگیان در مورد این آثار به چاپ رسیده و در دسترس سایر دبیران تاریخ قرار گیرد.<sup>1</sup>

به هر تقدیر استفاده از تصاویر در تدریس تاریخ روز به روز بیش‌تر معمول می‌گردید و شواهد نشان می‌دهد که معلمان افزون بر تصاویر موجود در کتاب‌های درسی و پوسترها، حتی از تصاویر تمبرهای پستی هم برای آشنا کردن دانش‌آموزان با اماکن و شخصیت‌های تاریخی بهره می‌گرفته‌اند.<sup>2</sup> گنجاندن پرسش‌های نمونه نیز به پیروی از کتاب‌های درسی غربی در ایران رایج گردید. روش پرسش و پاسخ در کلاس از دو جنبه به آموزش تاریخ یاری می‌رساند:

نخست با سنجش اطلاعات قبلی دانش‌آموزان، معلم را راهنمایی می‌کرد که کدام موارد نیاز به بازآموزی دارد و درس جدید را با چگونه باید آغاز کند و از طرف دیگر دانش‌آموزان را از شنوندگانی خاموش به پاسخ‌گویی فعال تبدیل کرده، آنان را در فرآیند یادگیری مشارکت می‌داد. بعضی نویسندگان نیز به ضرورت طرح پرسش‌های نمونه در کلاس درس تاریخ اشاره کرده‌اند.<sup>3</sup> استقبال معلمان از این شیوه، برخی نویسندگان را تشویق کرد تا تمام مطالب کتاب را به صورت پرسش و پاسخ درآورده، آن را به حساب نوآوری بگذارند.<sup>4</sup>

3- ابوالقاسم شکرایی، تاریخچه قسمتی از بناهای تاریخی کشور، مقدمه.

4- حسن مشحون و رضا خزائل و علی‌اکبر جلایی‌فر، تاریخ برای سال دوم دبیرستان‌ها؛ شامل ایران - اروپا، مقدمه.

1- محمدعلی فروغی، دوره ابتدایی از تاریخ عالم [جلد دوم: تاریخ ایران] مصور، دیباچه.

2- محمدحسین سعادت بوشهری، تاریخ ایران (بدون عنوان مشخص روی جلد) و سیدسعید طباطبایی، تاریخ مختصر ایران و محمدعلی فروغی، تاریخ مختصر عالم و میرزا حسین خان، تاریخ قرون قدیمه عالم.



نبودن هیچ‌گونه سؤال نمونه در برخی از کتاب‌های درسی تاریخ و درآمدن تمام مطالب به صورت سؤال و جواب در پاره‌ای دیگر، روشن می‌کند که تا چه میزان ناهماهنگی در مورد استفاده از روش پرسش و پاسخ وجود داشته است. در حقیقت طراحی کتاب به طوری که هر مطلب با یک یا چند سؤال شروع شده و پاسخ مورد نظر نیز در کنار آن ارائه گردیده بود، نشانه بدفهمی نویسندگان از سؤال‌های نمونه موجود در کتاب‌های درسی غربی است. به نظر می‌رسد نویسندگان به پیروی از طراحی کتاب‌های درسی غربی از یک سو به اهمیت طرح سؤالات نمونه در کتاب پی برده‌اند؛ ولی از طرفی تحت تأثیر جنبه‌های حافظه‌گرایی تعلیمات سنتی قرار گرفته، پاسخ‌های مشخصی را هم برای آنها ارائه نموده و انتظار داشته‌اند، دانش‌آموزان پاسخ‌ها را حفظ نمایند. اگرچه در سال‌های آغازین مشروطه وضع تا اندازه‌ای متفاوت بود. برای مثال، با این که در مقدمه یکی از کتاب‌های درسی تاریخ توصیه گردیده: «محض سهولت تحصیل و آسانی حفظ [کردن، پرسش‌هایی] نوشته شده است که متعلمین جواب آنها را به معلم تحویل دهند».<sup>1</sup> لیکن نوع سؤالات طوری طراحی شده‌اند که طوفانی از تفکر خلاق و سازنده را در ذهن شاگردان بر پا می‌کرد. برخی از پرسش‌های کتاب از این قرارند:

«مردم ایران امروز در چه حالتند؟ امروز دول مشروطه در کرة ارض کدامند؟ دول جمهوری کدامند؟ دول مستبده چند تا مانده؟ مقتدرترین و عالم‌ترین دول عالم کیست؟ علت تنزل ایران چیست؟ مانع ترقیات ایران چیست؟ چاره رفع مانع چیست؟ تکلیف هر ایرانی چیست؟ تکلیف اطفال ایرانی چیست؟»<sup>2</sup>

حتی اگر برخی معلمین به شیوه مرسوم دانش‌آموزان را وادار می‌کردند جواب‌ها را در متن پیدا کرده و به خاطر بسپارند؛ لیکن ماهیت این پرسش‌ها به گونه‌ای بود که زمینه «بارش فکری» آنان را فراهم می‌آورد. دانسته نیست که در آن دوره تا چه میزان به دانش‌آموزان اجازه می‌داده‌اند، پیرامون موضوعات درسی اظهار نظر نمایند. از شیوه آرایه مطالب توسط معلمان نیز آگاهی چندانی در دست نیست و نمی‌توان با اطمینان فضای کلاس‌های درس تاریخ را بازشناسی کرد. همین قدر می‌دانیم که

3- محمدعلی فروغی، دوره ابتدایی از تاریخ عالم [جلد دوم: تاریخ ایران] مصور، دیباچه، 4- همان، ص 154.

نهضت مشروطه جامعه‌پذیری فراگیران را افزایش داد و گزارش‌هایی از شرکت گسترده شاگردان مدارس در اجتماعات این دوران وجود دارد. به مرور نیز توجه فعالان سیاسی به مراکز آموزشی جلب گردید و پس از مشروطه عده‌یی از روشنفکران برای تبلیغ اندیشه‌های‌شان به مدارس روی آوردند.<sup>1</sup>

این روند به دلیل گسست‌هایی که در آموزش تاریخ ایجاد گردید، استمرار نیافت و به تدریج سؤال و جواب‌های کلیشه‌ای جای «بارش فکری» دانش‌آموزان را گرفت و با گسترش روند تمرکزگرایی دولتی، پویایی این درس هم بر اثر تصدی‌گری دولت‌ها سستی گرفت و در پایان دوره مورد بررسی، با وجود بهبود ظاهری کتاب‌های درسی تاریخ، از میزان عناصر چالش‌برانگیز فکری در آنها کاسته شد.

نکته دیگری که از بررسی کتاب‌های درسی تاریخ روشن می‌شود، تکیه معلمان در به خاطر سپاری دقیق رویدادهاست. نویسنده «تاریخ تلگرافی» کوشید با به شعر درآوردن وقایع تاریخ ایران، آن را برای شاگردان به یاد ماندنی‌تر کند. انتخاب عنوان «تلگرافی» هم روشن می‌کند که ایجاز و استفاده از واژه‌های کلیدی اساس کار مصنف بوده است. در آن سال‌ها بسیاری از معلمان توقع داشتند شاگردان نام اشخاص، سال وقوع حوادث و جنبه‌های بارز رویدادها را به یاد بسپارند. حتی در سال‌های بازپسین هم که مخالفت‌های زیادی با این شیوه تدریس صورت می‌گرفت، برخی از دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت بر آن اصرار می‌ورزیدند. برای مثال، «روزنامه معارف» که از سال 1317ق. زیر نظر «انجمن معارف» منتشر می‌شد،<sup>2</sup> اگر چه سهم زیادی در پایه‌گذاری تعلیم و تربیت جدید دارد؛ لیکن به نظر نمی‌رسد چندان با توسعه شتابان روش‌های تربیتی نوین همگام شده باشد. دوره پنجم این روزنامه که با نام «مجله معارف» منتشر می‌گردید، در مقاله‌ای با عنوان «طریقه تدریس تاریخ» به معلمان چنین توصیه می‌کند:

1- به نقل از جنگیز پهلوان، ریشه‌های تجدّد، ص 41.  
2- جعفر خمami زاده، روزنامه‌های ایران از آغاز تا سال 1329ق. 1289/ش، ص 237.

«معمول این است که معلمین تاریخ را از روی کتاب تدریس و از خارج سؤال می‌نمایند. این طریقه شاگرد را مورخ نمی‌سازد. فایده‌ای را که از تاریخ منظور است، منحصر به اطلاع از اوضاع و احوال گذشتگان نیست؛ بلکه مقصود مهم‌تری در بین است که ابداً معلمین تاریخ در نظر ندارند و آن تسلسل فکری [حضور ذهن] است که احتیاج محصلین بدان بیش‌تر از اطلاع بر اوضاع گذشته است. این تسلسل فکری به واسطه ذوق تاریخی حاصل و فایده آن در علوم طبیعی و اعمال صنعتی تظاهر می‌نماید...تعلیم تاریخ باید اولاً از [روی] کتاب تاریخ را برای نوآموزان به طور قرائت و معنی و حفظ تدریس نمایند و بعد بردارند مطالب تاریخی را به طور تفصیل یا اختصار انشا [جزوه گویی] نمایند. بعد یک سلسله مشاهدات [؟] برای آنان ترتیب داد و وادارند به نوشتن و تحریر کردن و بعد وادارند سوانح عمری خود را از آغازی که به خاطر دارند، بنویسند. با این واسطه تاریخ به حافظه کمک و حافظه فکر را منبسط و قوه تسلسل فکری ایجاد می‌شود. این است طریقه تدریس تاریخ والا خواندن این عبارات خشک و خالی و بی‌مغز و پوچ، هیچ نتیجه ندارد و عمر را تضییع می‌کند»<sup>1</sup>.

نویسنده این مقاله «تاریخ» را نه به عنوان علم؛ بلکه به مثابه تکاپویی فکری برای ورزیدگی ذهن تلقی می‌کند که یادگیرنده را برای فراگیری سایر علوم آماده می‌نماید! از نگاه وی اندیشه فرد زمانی تواناست که «مسموعات و مشاهدات خود را همان‌طور که فکر کرده یا شنیده یا دیده، بتواند دوباره از نظر گذرانده و تقریر نماید». چنین رویکردی مانع بروز خلاقیت‌های فکری و اندیشه‌های نو می‌گردد و فراگیر را به سوی تقلید ناآگاهانه سوق می‌دهد. با رواج این دیدگاه بود که حتی وزارت معارف هم در صفحه آخر کتاب سوم ابتدایی با عنوان «اخطار به آقایان معلمین» به آموزگاران «حافظه‌گرایی» را چنین تکلیف می‌کرد:

«شاگردان را وادار نمایند که رئوس مطالب تاریخ و مسایل حفظ‌الصحه و دروس انشا و شریعات را پس از فهمیدن، کاملاً به خاطر بسپارند و نیز قسمتی از اشعار منتخبه را که شماره آن در هر صورت از پانصد بیت کم‌تر نباشد، با توجه به معانی آنها حفظ کنند»<sup>2</sup>.

1- مجله معارف، سال سوم، دوره پنجم، ش 8، ص 15.

2- وزارت معارف، (گروه مؤلفان)، کتاب سوم ابتدایی.

یکی دیگر از دست اندرکاران تعلیم و تربیت نیز به معلمان توصیه می‌کند:

«... درس مکالمه و تکلیف حفظی را [می‌باید] به طور ساده به شاگردان یاد داد و مکرر از آنها سؤال کنند که ملکه آنها گردد؛ چه مهم‌ترین درس در سال اول مکالمه است که برای تعلیم نطق و انشا در سال‌های بعد، بهترین طریق است و تکالیف حفظی برای نموّ قوّه حافظه لازم است...»<sup>1</sup>

شاید مهم‌ترین مانع رواج اصول تعلیم و تربیت نوین در ایران را بتوان در پایداری باورهای سنتی آموزش در بین دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت دانست. برای درک این موضوع که «حافظه‌گرایی» تا چه میزان در زیر پوست تعلیم و تربیت نوین به حیاتش ادامه داد و با وجود رواج ظاهری اصول تربیتی نوین، هم‌چنان چیرگی خود را حفظ کرد، ابراز عقیده یکی از مشهورترین معلمان تاریخ و نویسنده بسیاری کتاب‌های درسی این رشته نقل می‌گردد. وی در یک سخنرانی به دفاع از شیوه «حفظ کردن» در تعلیمات سنتی پرداخته و می‌گوید:

«...در بعضی مدارس شنیده‌ام به کلی حفظ کردن شعر و نثر را قدغن نموده‌اند. البته این اندازه هم صحیح نیست! ... در سابق... بسیاری از متون علمی را طلاب از بر می‌کردند... این کار البته در نظر ما عجیب می‌آید؛ ولی اگر توجهی به احوال طلاب بکنیم - از نداشتن کتاب و پول خرید کتاب و وقت استنساخ کتاب و وسیله حمل و نقل کتاب در مسافرت‌ها و غیر ذالک - تصدیق می‌فرمایید که مجبور بودند، صندوق سینه خود را جای کتاب قرار دهند. در نتیجه این توجه به حفظ ... حافظه‌ها قوت [می‌]گرفت و ورزش [می‌]کرد... طلاب سابق در هر مسأله که در حدود اطلاعات آنها بود، چنان حضور ذهنی داشتند که محتاج به مراجعه به کتب نمی‌شدند. برخلاف امروز که از بس حافظه را مهمل می‌گذاریم، اگر کسی راه خانه ما یا اسم اقوام ما را بیرسد، باید به کتابچه جیبی رجوع کنیم و نمی‌توانیم ده دقیقه پی در پی مطالب علمی را بی مراجعه بیان کنیم و از قول گذشتگان نقل نماییم...»<sup>2</sup>

3- حبیب‌الله آموزگار، فارسی آموز دوره ابتدایی [قسمت دوم]، خاتمه.

1- تعلیم و تربیت مجله ماهیانه فنی و رسمی وزارت معارف، سال ششم، ش 11 صص 787-786.

«رشید یاسمی» اگر چه در این سخنرانی ستایش خود را از «حضور ذهن» طلاب سابق که در نتیجه ممارست در «حفظ» قوت می‌گرفت، پوشیده نمی‌دارد؛ لیکن به جنبه‌های اجتماعی و زیباشناختی آموزش تاریخ نیز توجه داشته و در کتاب «تاریخ ایران» که به سفارش وزارت معارف برای شاگردان پایه پنجم و ششم ابتدایی نوشت، به آموزگاران سفارش کرد: وقایع تاریخی کتاب را که با حکایاتی چند آمیخته شده، در کلاس بازگو کرده و موضوع انشای شاگردان قرار دهند.<sup>1</sup> این اشاره کوتاه نشان می‌دهد، وی به پرورش خلاقیت شاگردان نیز اهمیت داده و «روش قصه‌گویی» و ضرورت به‌کار گرفتن تخیل در آموزش تاریخ را که امروزه از سوی برخی کارشناسان مورد تأکید قرار گرفته،<sup>2</sup> به آموزگاران توصیه می‌کرده است.

#### کتاب‌های علوم تربیتی و شیوة تدریس تاریخ

با گشایش مراکز تربیت معلم، نیاز به کتاب‌های علوم تربیتی نیز احساس گردید و برخی تلاش‌ها برای تدوین آن صورت گرفت. کتاب‌های علوم تربیتی بیش‌تر از منابع غربی ترجمه شده‌اند. مترجمان ایرانی گاهی در کتاب‌های علوم تربیتی به مطالبی برمی‌خورند که با شرایط عمومی تعلیم و تربیت کشور فاصله بسیار داشت؛ بنابراین در صدد هماهنگ ساختن آنها برمی‌آمدند. به همین دلیل، آثار این دوره بیش‌تر صورت ترجمه و تألیف به خود می‌گرفت و مترجمان با حذف موضوعاتی، نظرهای خودشان را هم در لابه‌لای مطالب ابراز می‌کردند. از آن جا که شیوة ارجاع دادن در متن چندان مرسوم نبود، تشخیص موارد افزوده شده، چندان آسان نیست؛ به هر تقدیر آثار پدید آمده، آکنده از جنبه‌های تربیتی نوین می‌باشد که طی سال‌های متمادی، راهگشای معلمان ایرانی گردید و آنان را در به‌کار بردن اصول جدید تربیتی یاری داد.

2- غلامرضا رشید یاسمی، تاریخ ایران، مقدمه.

3- مسعود جوادیان، «یکی بود، یکی نبود: آموزش تاریخ» مجله رشد آموزش ابتدایی، س 8، ش 6 (پی در پی 65)، صص 21-23 و عبدالرسول خیراندیش، «تخیل و تاریخ؛ درآمدی بر چگونگی به‌کارگیری قوه تخیل در آموزش تاریخ»، رشد آموزش تاریخ، س 3، ش 9 صص 17-14 و آلن فارمر و کریستین کوپر، «قصه‌گویی در تاریخ»، مجله رشد آموزش تاریخ، س 3، ش 9 صص 39-34.

اینک مطالبی درباره روش آموزش تاریخ از آثاری که بیشتر مورد استفاده معلمان بوده‌اند، نقل می‌گردد:

نویسنده کتاب «راهنمای تربیت یا اصول تعلیم» پس از توصیف فواید تاریخ، می‌نویسد: معلم تاریخ باید با استفاده از عبارتهای ساده و صدای مؤثر، انگیزه اندیشیدن در باره خصوصیات اخلاقی بزرگان تاریخ را در شاگردان بیدار کند و با مهارت از طریق همسنجی گذشته و حال و رایة مثال‌های مناسب و نیز مربوط کردن درس تاریخ با جغرافی آن را برای شاگردان قابل فهم‌تر و جذاب‌تر کند.<sup>1</sup> وی می‌افزاید، باید شاگردان را به حفظ سال‌های وقوع رویدادهای تاریخی وادار کرد؛ زیرا: «...ارقام تاریخی به منزله چشم راست تاریخ است و اهمیت حفظ آن در علم تاریخ کم‌تر از اهمیت جدول ضرب در علم حساب نیست...»<sup>2</sup>

توصیه‌هایی که در این اثر برای آموزش تاریخ شده، یک‌دست نیست. مواردی مانند زمان‌بندی مناسب تدریس، رعایت ویژگی‌های فراگیران، استفاده از جغرافی برای تفهیم تاریخ، برقراری پیوند میان مطالب از طریق همسنجی حال با گذشته، به مباحث جدید مطرح در آموزش تاریخ نزدیک بود، در حالی که توصیه به معلمان برای «تقدیر مراتب رجال» و تأکید بر حفظ ارقام سال‌ها به اصول تعلیمات سنتی شبیه‌تر است.

با وجود ناموزون بودن مطالب، نمی‌شود از تأثیری که همین کتاب پر ابهام در آموزش رسمی ایران داشت، به سادگی گذشت. به نظر می‌رسد این اولین کتابی است که توصیه‌های کاربردی را برای آموزش تاریخ در ایران مطرح نموده و از دریچه فن و هنر معلمی به آموزش این درس نگریسته است. تقریظ اداره معارف نیز نشان می‌دهد در دوره و انفسای جنگ جهانی اول، این اثر تا چه میزان برای نظام آموزشی مغتنم شمرده شده است.<sup>3</sup>

1- حبیب‌الله آموزگار، راهنمای تربیت یا اصول تعلیم، صص 226-225

2- همان، ص 4

3- همان، ص 7.

یکی از معلمان تاریخ نیز کتابی در اصول تعلیم و تربیت ترجمه کرد. این اثر با هدف تدریس به آموزگاران در دانش‌سرای مقدماتی تدوین گردیده؛ به همین جهت آموزش ابتدایی بیش‌تر مورد نظر نویسنده قرار گرفته است. فصل هفدهم کتاب به «تعلیم تاریخ» اختصاص دارد که فشرده توصیه‌های آن چنین است:

1- درس تاریخ بایستی ساده و روشن و متناسب با فهم کودکان باشد. پس لازم است از تصاویر بزرگان و آثار گذشته استفاده نمود و اگر از اماکن قدیمی نمونه‌ای در محل موجود است، شاگردان را به بازدید از این آثار برد.

2- آموزگاران باید از افزودن اسامی و سنواتی بر آنچه در کتاب شاگردان هست، خودداری کنند و به جای بیان وقایع و حوادث کوچک به تدریس و تشریح حوادث مهم همت گمارند.

3- به تاریخ تمدن ایران و عالم بیشتر از تاریخ زندگانی فرمانروایان و شاهزادگان و امرا باید توجه کرد.

4- آموزگار باید در روی نقشه دیواری نقاطی را که نام می‌برد، نشان دهد. معلمین تاریخ باید چنان به کار با نقشه اهمیت دهند که اگر اتفاقاً در مدرسه نقشه موجود نیست، خود با گچ بر روی تخته سیاه نقشه‌ای بکشند.

5- پس از آن که آموزگار رویدادهای تاریخ را شرح داد، باید همان موضوع را از روی کتاب درسی بخواند یا یکی از شاگردان را به خواندن آن مأمور سازد و در ضمن قرائت، لغات و عبارات مشکل یا کنایات و استعارات مبهم را معنی و تشریح کند و اگر کتاب دارای تصاویری است، درباره آنها نیز توضیحاتی ارائه دهد.

6- بهتر است محصلین خلاصه‌ای از هر درس تاریخ را در کتابچه‌ای بنویسند. معلم هر روز باید این کتابچه را ببیند و برای پاکیزگی و درستی و خوبی آن نمره‌ای معین کند. هم‌چنین پانزده روز

یا ماهی یک بار باید به شاگردان تکلیف کتبی داد؛ ولی باید تکالیف چنان باشد که تفکر خلاقانه آنان را برانگیزد.<sup>1</sup>

امروزه به دلیل وجود تجهیزات پیشرفته آموزشی، امکان طراحی کلاس‌های درس بر اساس فناوری اطلاعات (IT)<sup>2</sup> فراهم آمده و «دانش آموز محوری» جای «معلم محوری» را گرفته است. اکنون می‌توان برای استفاده از نقشه‌ها، تصاویر و فیلم از ابزارهای پیشرفته‌تری مانند «دیتاشو»<sup>3</sup> و «ویژوالایزر»<sup>4</sup> استفاده کرد؛ لیکن معلمان تاریخ همچنان نیازمند به کار بستن جنبه‌های معنوی هستند تا به موضوعات درسی جان ببخشند. تمرکزبخشی در کلاس و تلاش برای پرورش فکری فراگیران هنوز از مهمترین نیازمندی‌های آموزش تاریخ است.

پایه‌گذار رشته علوم تربیتی دانش‌سرای عالی تهران در اثری که بارها تجدید چاپ شد، به اهمیت و فواید تاریخ، نیز پرداخت. وی در فصلی با عنوان «روش آموختن تاریخ»، ضمن توصیه به معلمان برای رعایت بودجه‌بندی مطالب، تکیه بر موضوعات اجتماعی و فرهنگی، استفاده از نقشه و فیلم‌های تاریخی در کلاس، بازدید از اماکن تاریخی، پیشنهاد می‌کند نموداری از سالشمار وقایع مهم با کمک شاگردان تهیه و در کلاس نصب شود. وی همچنین معلمان تاریخ را به پرهیز از تعصب نسبت به خودی و بیگانه فراخوانده و تأکید می‌کند:

«اگر معلم هواداری دسته‌ی خاصی را نموده و میل باطنی و اعتقاد سیاسی خود را در آموختن تاریخ دخیل سازد، فرزندان میهن را به نفاق و خلاف حقیقت کشانده و برخلاف وظیفه‌ی معلمی خود رفتار کرده است. البته تاریخ باید مهر میهن پرستی را ایجاد کند؛ ولی نه از راه تولید کینه نسبت به بیگانه»<sup>3</sup>

1- نصرالله فلسفی، اصول تعلیم و تربیت، 111-114

4- Visualizer

2- Information Technology

3- Data Show

5- عیسی صدیق، روش نوین در آموزش و پرورش، ص 432. 6- همان، 245.



نویسنده در ادامه می‌نویسد: افزون بر کتاب درسی تاریخ باید کتاب‌های مهم تاریخ که به زبان فارسی است، در کتاب‌خانه‌ی مدرسه فراهم کرد و دبیر به اقتضای موضوع درس، چند صفحه یا چند فصل آن‌ها را برای شاگردان معین کند که در کتاب‌خانه یا منزل مطالعه کنند و می‌افزاید:

«جای تأسف است که در دبیرستان‌های ما این قسمت تاکنون رعایت نشده... به علاوه بسیاری از دبیران دوره‌ی اول دبیرستان، خودشان آن‌ها را ندیده‌اند تا بتوانند تکلیف برای شاگرد معین کنند!»<sup>6</sup> امروزه دانش‌آموزان ناگزیرند برای موفقیت در کنکور روش‌های تندخوانی و حدس زدن پاسخ‌های احتمالی را آموخته و مطالب کتاب را سطر به سطر به خاطر سپارند تا مبادا امتیاز حتی یک پاسخ درست را از دست بدهند. به این ترتیب دیگر جایی برای مطالعات خارج از کتاب درسی باقی نمی‌ماند. اگر در گذشته کمبود کتاب مناسب در کتابخانه دبیرستان یا ناآشنایی برخی دبیران با منابع دست اول تاریخی مشکل اساسی آموزش تاریخ بود، امروز شیوه ارزشیابی متمرکز نیز به آن افزوده شده است و مانع پرداختن به تحقیقات دانش‌آموزی است. برای آشنایی مطلوب با تاریخ، مراجعه به منابع مختلف ضروری است و شاگردان دبیرستان با انجام پاره‌ای تحقیقات ساده‌ی تاریخی و مراجعه به آثار غیر درسی، قادر خواهند شد آگاهی‌های ژرف‌تری را بیاموزند.

روش آموزش تاریخ در دانش‌سراهای مقدماتی نیز از آنجا که قرار بود شاگردانش معلمان آینده مدارس باشند، اهمیت دارد. فراگیران این مراکز ضمن آشنایی با فواید تاریخ و شیوه‌های ایجاد و تقویت حس ملیت در دانش‌آموزان با راه‌های ملموس کردن موضوعات تاریخی برای شاگردان آشنا می‌شدند.<sup>1</sup> رییس اداره‌ی دانش‌سراهای وزارت فرهنگ نیز کتابی برای دانش‌سراهای مقدماتی سراسر کشور تدوین کرد. در این اثر برای تدریس تاریخ به دبیران توصیه شده است:

«...بسیار به جا و مناسب است که دانش‌آموزان دانش‌سراها تحت نظر دبیران تاریخ حکایات تاریخی و قصه‌ها و افسانه‌های محلی را که کم و بیش جنبه تاریخی دارند و هم چنین توضیحات و اطلاعاتی که نسبت به آثار و ابنیه‌ی محلی به دست می‌آورند، در دفترچه‌های مخصوص گردآورند و

1- وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، سالنامه معارف سال تحصیلی 1312-1311 [قسمت دوم]، ص 180.

همیشه یک نسخه از آن را پس از ملاحظه و تصحیح دبیر مربوطه در کتابخانه مخصوص و یا موزه‌ی آموزش و پرورش دانش‌سرا قرار دهند تا بدین ترتیب دانش‌آموزان دانش‌سراهای هر حوزه‌ی اطلاعات جامعی نسبت به تاریخ محلی خود پیدا کنند و هنگام آموزگاری هم نوآموزان دبستان‌ها را از آن اطلاعات به قدر لزوم بهره‌مند سازند»<sup>1</sup>.

### تأثیر باستان‌گرایی در روند آموزش تاریخ

یکی از جنبه‌های تعلیم و تربیت نوین ایران، نفوذ اندیشه‌های باستان‌گرایانه در آموزش تاریخ می‌باشد. در میانه دوره قاجار بسیاری از متفکران شیفته ایران باستان شدند و نویسندگان دوره مشروطه نیز آثاری را با رویکردهای باستان‌گرایانه آفریدند. رویدادهای سیاسی، اجتماعی بعد از مشروطه زمینه گسترش باستان‌گرایی را فراهم می‌آورد و در این رهگذر آموزش تاریخ از این جریان فکری تأثیر فراوان پذیرفت.

باستان‌گرایی از دو سو آموزش رسمی تاریخ را جهت بخشید: نخست با ارزش نهادن بر دست‌آوردهای علم باستان‌شناسی و قلمداد کردن «تاریخ تمدن‌های باستانی» به مثابه زیربنای تاریخ تمدن بشری که این بخش از تاریخ را در ردیف اساسی‌ترین موضوعات مطالعاتی قرار می‌داد. دیگر از طریق گشودن دریچه‌های تازه‌ای برای آموزش‌های اخلاقی و سیاسی دانش‌آموزان که بر مبنای دمیدن روحیه میهن‌پرستی و تقویت هویت ملی شکل می‌گرفت.

اوج باستان‌گرایی در درس تاریخ زمانی اتفاق افتاد که حکومت نوبنیاد پهلوی کوشید خود را نجات‌بخش جامعه ایرانی و جانشین پادشاهان باستان نشان دهد. جایگاه معنوی شهریاران ایران و بیدار کردن حس شاه‌پرستی که با اندیشه ایران‌شهری در تاریخ گره خورده بود، انگیزه نوشتن مطالبی در کتاب‌های درسی تاریخ شد که بیشتر مشروعیت بخشیدن به نظام سیاسی حاکم را مد نظر داشت.

2- حبیب‌الله صحیحی، دستور آموزش برای دانش‌سرای مقدماتی، 35-33.

## باستان‌گرایی در کتاب‌های درسی تاریخ

باستان‌گرایی و رویکرد به گذشته پرافتخار ایران، بازتاب بی‌واسطه اندیشه‌های نسلی بود که هویت ملی و موجودیت تاریخی خویش را در خطر می‌دید. در اولین کتاب‌های درسی تاریخ که در آستانه بروز مشروطه منتشر گردیدند، تاریخ باستانی ایران آشکارا مورد ستایش قرار گرفته و گذشته در برابر حال نهاده شده است. برای مثال، در کتاب «دوره ابتدایی از تاریخ عالم [جلد اول: تاریخ ایران]» پس از اولین صفحه که ناگزیر به ستودن مظفردالدین شاه اختصاص یافته است، سرزمین‌های از دست رفته ایران را برمی‌شمارد و بدین ترتیب گویی همه آن تعارفات را در مورد «اعلی‌حضرت قوی‌شوکت اقدس همایون شاهنشاه جم‌جاه» به مسخره می‌گیرد.

در نگاه بسیاری از نویسندگان کتاب‌های درسی تاریخ، ایران باستان سراسر پر از دادگری و نظم و ترتیب اجتماعی بود. به فاصله کوتاهی پس از پیروزی مشروطه، ادیب‌الممالک کرمانی کوشید تا عدالت‌پروری انوشیروان را با «عدل‌مظفر» برابر نهاده و با پندار شاعرانه خویش، بر تخت نشستن اولین پادشاه قانونی ایران را با پیشدادیان که نخستین قانونگذاران بوده‌اند، همسنگ کند.<sup>1</sup>

ادبیات و نثر به‌کار رفته در کتاب‌های درسی تاریخ به گونه‌یی است که به‌سختی می‌توان اثری را یافت که از فرهنگ و تمدن ایران باستان در آن یاد نشده باشد. «تاریخ ایران باستان» بیش‌ترین موضوع مطرح شده در کتاب‌های درسی ابتدایی در هر دو دوره قاجار و پهلوی بوده است. «تمدن‌های باستانی» و موضوعات مربوط به «فرهنگ و تمدن» نیز به ترتیب بیش از همه در کتاب‌های متوسطه قاجار و پهلوی مورد توجه قرار داشته‌اند. در مجموع «تاریخ ایران باستان» در دوره ابتدایی و «فرهنگ و هنر» در دوره متوسطه بیش‌ترین موضوعات کتاب‌های درسی تاریخ را تشکیل داده‌اند. از طرفی «تقویت روحیه میهن‌پرستی» بیش از سایر ویژگی‌ها مورد تأکید قرار گرفته است؛<sup>2</sup> بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که در نگاه نویسندگان این آثار، فرهنگ و تمدن ایران باستان بهترین انگیزه برای تقویت روحیه میهن‌پرستی دانش‌آموزان شمرده می‌شده است.

1- میرزا قاسم ادیب کرمانی، تاریخ تلگرافی، ص 3.

2- محمدرضا عسکرانی، پیشین، صص 328-331.

حملة اعراب بیش از سایر یورش‌هایی که به ایران صورت گرفت، نظر نویسندگان را به خود جلب می‌کرد. چگونگی فروپاشی شاهنشاهی ساسانی به میزان بیش‌تری در شاهنامه و سایر کتاب‌های ادبی و تاریخی بازتاب داشت و نویسندگان کتاب‌های درسی هم که نثرپردازان زبردستی بودند، با الهام‌پذیری از سنت ادبی پیشینیان و الگو گرفتن از مضامین باستان‌گرایانه متفکران قاجار، به توصیف این قسمت از تاریخ ایران علاقه وافری نشان دادند.

با اندکی درنگ می‌توان تأثیرات نوعی اندیشه‌ی شعوبی‌گری را پس از گذشت بیش از دوازده قرن در کتاب‌های درسی تاریخ بازشناسی کرد.

استفاده از عناصر افتخار آمیز فرهنگ و تمدن ایرانی و به‌رخ کشیدن پستی و درنده‌خویی اعراب دوران جاهلیت به فراوانی توسط شاعران و نویسندگان شعوبی مورد استفاده قرار می‌گرفت و آن را دلیلی برای نفی حاکمیت بیگانگان به شمار می‌آوردند.<sup>1</sup> در دوران قاجار هم رویه باستان‌گرایی در تاریخ ایران دست‌مایه متفکران و روشنفکران برای ترویج روحیه خودباوری و ایجاد حس غرور ملی گردید. در حالی که این رویه در دوران پهلوی برای تبلیغات دولتی مورد استفاده قرار گرفت.

اگر شعوبیه از آیات قرآن شواهدی را برای نشان دادن برابری انسان‌ها و نفی برتری جویی اعراب متعصب و حاکمان بنی‌امیه می‌جستند<sup>2</sup> و یا اگر پاره‌ای از روشنفکران دوره قاجار با نشان دادن شباهت شعارهای قانون‌گرایی و مشروطه‌خواهی با مضامین آیات و روایات، پشتوانه‌ای برای مبارزه با استبداد می‌یافتند،<sup>3</sup> در دوره پهلوی دیگر نیازی به استفاده از شعائر دینی دیده نمی‌شد. برای مثال، رضازاده شفق که از نویسندگان کتاب‌های درسی تاریخ برای وزارت فرهنگ بود، آشکارا برخی از رفتارهای مذهبی را به چالش می‌کشید.<sup>4</sup>

2- حسینعلی ممتحن، نهضت شعوبیه؛ جنبش ملی ایرانیان در برابر خلافت اموی و عباسی، صص 263-225.

3- همان، ص 198.

4- ماشاءالله آجودانی، مشروطه ایرانی، صص 46 و 225.

5- سازمان پرورش افکار، سخنرانی‌های آموزشگاه پرورش افکار (قسمت دبیران)؛ موضوع: مبارزه با خرافات، ص 3 و 94.

آموزش تاریخ و ام‌دار متفکرانی است که با الهام‌پذیری از تاریخ به نقد جنبه‌های مختلف حاکمیت سیاسی پرداخته‌اند؛ لیکن بروز اندیشه‌های افراطی همواره مانعی اساسی برای ثمربخشی این آموزه‌ها بوده است. اینک برای آشنایی با روند دولتی شدن آموزش تاریخ که با نیرومند شدن اندیشه‌های اقتدارگرایانه در عصر پهلوی آغاز شد، به بازتاب برخی از جنبه‌های تبلیغات دولتی در درس تاریخ اشاره می‌گردد.

### آموزش تاریخ و نظام سیاسی حاکم

شاید هیچ دانشی به اندازه «تاریخ» از دخالت‌های دولتی آسیب ندیده باشد. بسیاری از دولت‌ها برای زدودن خاطرة نظام‌های سیاسی پیشین و کسب مشروعیت، یا به تحریف تاریخ دست یازیده‌اند و یا به شکل‌گزینی آن را روایت نموده‌اند. از سویی بیشتر حکومت‌ها برای تبلیغ سیاست‌های جاری و کسب محبوبیت، به سراغ تاریخ رفته‌اند و آن را دست‌مایة فعالیت‌های تبلیغاتی‌شان قرار داده‌اند. این در حالی است که نظام تعلیم و تربیت نیز همواره تابعی از سیاست‌گذاری‌های نظام سیاسی حاکم بوده و هرگز از مداخلة دولت‌ها مصون نمانده است؛ بنابراین، شاید بتوان نتیجه گرفت که هیچ یک از مواد درسی به اندازه تاریخ دستخوش تمایلات مصلحت‌جویانه دولتی نگردیده و از این رهگذر آسیب ندیده است.

در دوران پهلوی نیز تبلیغ برای نظام سیاسی حاکم، رفته رفته به صورت جزئی جدایی‌ناپذیر از کتاب‌های درسی تاریخ درآمد. نویسندگانی مانند «فروغی» از بالاترین مقامات سیاسی شمرده می‌شدند و شگفت نبود که در آثارشان به ستایش سیاست‌های اجرایی پردازند.<sup>1</sup> برخی هم نظیر «هدایت» به پیروی از «تالیران» که گفته بود: «شاهان می‌میرند؛ اما نقش آنان بر سکه‌های طلای‌شان باقی می‌ماند»، با وجود فروپاشی قاجارها، هم‌چنان در صحنه سیاست باقی ماندند تا به سهم خویش «توشه‌ای از تاریخ شش پادشاه» بیاندوزند<sup>2</sup> و از روی کار آمدن سلطنت پهلوی ابراز شادی

1- محمدعلی فروغی، تاریخ مختصر ایران به انضمام عصر پهلوی، صص 120-116.

2- مهدی قلی هدایت (مخبرالسلطنه)، خاطرات و خطرات؛ توشه‌ای از تاریخ شش پادشاه و گوشه‌ای از دوره زندگی من.

کنند.<sup>1</sup> اگر سیاست‌بازان و دولت‌مردان در نوشتن کتاب تاریخ، مدیحه‌سرایی پیشه‌سازند، دور از انتظار نیست؛ لیکن شگفت این جاست که برخی از فرزندگان هم در سراب پی‌آب می‌گشتند و بر خلاف رویه تاریخ‌نویسی، صفحات کتاب درسی را با عبارات‌های تملق‌آمیز پر می‌کردند. بخش پایانی کتاب «تاریخ ایران» پس از برشمردن بی‌لیاقتی پادشاهان قاجار، به تمجید از رضا شاه می‌پردازد.<sup>2</sup>

در کتاب‌های درسی تاریخ دوره پهلوی ویژگی «طرفداری از نظام سیاسی حاکم» به میزان قابل ملاحظه‌ای نسبت به دوره قاجار افزایش یافت. صفحات آغازین بسیاری از کتاب‌ها به تصاویری از پادشاه و ولیعهد اختصاص یافت و در شرح تاریخ معاصر ایران، بدگویی از قاجاریه و تعریف از حکومت پهلوی جای ثابتی پیدا کرد. نقطه اوج باستان‌گرایی و طرفداری از نظام سیاسی حاکم را در کتاب‌هایی که در زمان تصدی اسماعیل مرآت در وزارت فرهنگ منتشر شد، می‌توان دید. علاقه‌مندی به تاریخ ایران، نشانه میهن‌پرستی شمرده شد و تبلیغ می‌گردید تلاش‌های زیادی برای صیانت از تاریخ ایران صورت گرفته است.<sup>3</sup>

ظرفیت تاریخ برای همسنجی حال و گذشته و قابلیت «این‌همانی» وانمود کردن برنامه‌های اجرایی با دستاوردهای موفق گذشته یا به‌رخ کشیدن رنج و شوربختی مردمان در شرایطی از دوره‌های تاریخی، امکان استفاده تبلیغاتی از آن را فراهم می‌آورد. همین امر در روند آموزش تاریخ در نظام تعلیم و تربیت ایران یکی از مهم‌ترین آفت‌های درس تاریخ بوده است. در چنین رویکردی از «آموزه‌های تاریخی» برای روشن کردن مسیر گذار به آینده استفاده نمی‌شد؛ بلکه شرایط سیاسی روز تعیین می‌کرد که کدام حادثه در تاریخ باید بزرگ‌نمایی یا تحقیر شود.

سیاسی شدن درس تاریخ، قهرمانان تاریخی را به بازیگرانی بی‌اراده بر روی صفحات کاغذ بدل می‌سازد که سناریوهای دست‌نوشته را تمرین می‌کنند. هر یک از این بازیگران متناسب با شرایط سیاسی روز نقش خود را اندکی ملایم‌تر و یا قدری خشن‌تر اجرا می‌نمایند. بازی‌گردان این نمایش

3- مهدی قلی‌هدایت (مخبرالسلطنه)، گزارش نامه ایران.

4- غلامرضا رشیدپاسمی، تاریخ ایران، صص 159-160.

1- وزارت فرهنگ، (گروه مؤلفان)، کتاب تاریخ برای سال سوم دبیرستان‌ها، صص 196-195.

هم داستان‌پردازی به جای مورخ است که جذابیت و شیرینی داستان برای وی بیش از بیان حقیقت اهمیت دارد. در این صورت رفته رفته داستانی به جای درس تاریخ به دانش‌آموزان ارائه خواهد گردید.

آزادمنشی موجود در کتاب‌های درسی تاریخ که بعد از مشروطه منتشر گردیدند، با دولتی شدن تدوین کتاب‌های درسی از آن رخت بر بست. الگوی به کار رفته در کتاب‌های وزارتی برای سال‌های متمادی مورد استفاده قرار گرفت و از آن جا که تاریخ یکی از مناسب‌ترین درس‌ها برای تبلیغات حکومتی به‌شمار می‌آمد، در برنامه‌ریزی‌های متمرکز کتاب‌نویسی درسی به عنوان یکی از حساس‌ترین درس‌ها مورد توجه دولت قرار گرفت و محتوای آن همواره با دقت ویژه‌ای تنظیم شد.

#### نتیجه‌گیری

درس تاریخ در نظام تعلیم و تربیت ایران از آغاز با موانعی روبه‌رو بود که ارائه مطلوب آن را دشوار می‌کرد. «جزوه‌نویسی» از آفت‌های درس تاریخ بود که با وجود چاپ گسترده کتاب‌های درسی، هم‌چنان ادامه یافت. «دوره کردن» و تکیه بر «حافظه‌مداری» نیز از موانع این درس بود که مانع بروز خلاقیت‌های فکری می‌گردید و فراگیر را به سوی تقلید ناآگاهانه سوق می‌داد. یکی از کاستی‌های کتاب‌های درسی نپرداختن کافی به مبانی نظری تاریخ بود که موجب کم‌رنگ شدن ایجاد انگیزه در شاگردان می‌گردید. همچنین استفاده از روش پرسش و پاسخ در کلاس نیز به دلیل گسست‌هایی که در آموزش تاریخ ایجاد گردید، استمرار نیافت و به تدریج درج سؤال و جواب‌های کلیشه‌ای در کتاب‌ها، جای «بارش فکری» دانش‌آموزان در کلاس را گرفت. برخی نویسندگان آثاری را در زمینه تعلیم و تربیت پدید آوردند که طی سال‌های متمادی، راهگشای معلمان ایرانی گردید؛ لیکن توصیه‌هایی که برای آموزش تاریخ در این قبیل آثار شده، یک دست نیست و گاهی روش‌هایی توصیه شده‌اند که با اصول تربیتی نوین مغایرت دارد.

از طرفی ارزش نهادن بر تاریخ ملی نیز هرچند دریچه‌های تازه‌ای را برای آموزش‌های اخلاقی و سیاسی دانش‌آموزان می‌گشود؛ لیکن بروز اندیشه‌های افراطی باستانگرایی مانعی اساسی برای ثمربخشی این آموزه‌ها بود.

ظرفیت درس تاریخ برای همسنجی حال و گذشته امکان استفاده تبلیغاتی از آن را فراهم می‌آورد. همین امر در روند آموزش تاریخ در نظام تعلیم و تربیت ایران یکی از مهم‌ترین آفت‌های درس تاریخ بوده است.

آزادمنشی موجود در کتاب‌های درسی تاریخ که بعد از مشروطه منتشر گردیدند، با دولتی شدن تدوین کتاب‌های درسی از آن رخت بر بست و با گسترش روند تمرکزگرایی دولتی، پویایی این درس بازهم سستی گرفت.

#### منابع

- 1- آموزگار، حبیب‌الله. (1301). راهنمای تربیت یا اصول تعلیم [از مجموعه گنج دانش]. (اقتباس از کتاب هدایه‌لمدرس تألیف علی عمریک) تهران: مطبعة روشنایی، بی‌جا، (چاپ سنگی - محل نگهداری پژوهشکده معلم شیراز).
- 2- آموزگار، حبیب‌الله. (1306). فارسی آموز دوره ابتدایی [قسمت دوم]؛ دارای مواد شرعیات، اخلاق، علم الاشیاء، تاریخ، جغرافیا، حساب و مشق خط، تهران: گنج دانش، بی‌جا، (چاپ سنگی).
- 3- ادیب کرمانی، میرزا قاسم. (1325ق.). تاریخ تلگرافی. تهران: بی‌نا، کاتب مرتضی نجم آبادی، بی‌جا، (چاپ سنگی - محل نگهداری: کتاب‌خانه شهید دستغیب [ملی]، شیراز).
- 4- پرویز، عباس. (1315). تاریخ اروپا در قرون وسطا از اوایل هجوم وحشی‌ها به اروپا تا فتح قسطنطنیه توسط سلطان محمد فاتح [جلد اول]، تهران: مطبعة اتحادیه (کتاب‌خانه پرند)، بی‌جا.
- 5- پهلوان، چنگیز. (1383). ریشه‌های تجدد؛ نمونه مدرسه سیاسی و رساله حقوق اساسی اثر محمدعلی فروغی و مجموعه ای از اسناد، تهران: نشر قطره، چ اول.
- 6- تعلیم و تربیت مجله ماهیانه فنی و رسمی وزارت معارف. (1315). «بیانات آقای رشیدیاسمی استاد تاریخ در مجلس دانشجویان». تهران: سال ششم، ش 11 صص 787-786.
- 7- جوادیان، مسعود. (1385). «یکی بود، یکی نبود: آموزش تاریخ»، تهران: رشد آموزش ابتدایی، سال هشتم، شماره 6 (پی در پی 65)، صص 21-23.



- 8- خمایی زاده، جعفر. (گردآورنده و مترجم) (1380). روزنامه‌های ایران؛ از آغاز تا سال 1329 ق. / 1289 ش. با اضافات و شرح کامل به همراه تصاویر روزنامه‌ها: برداشتی از فهرست ه.ل.رابینو، ترجمه و تدوین جعفر خمایی زاده، تهران: اطلاعات، چ دوم (چ اول 1372).
- 9- خیراندیش، عبدالرسول. (1381). «تخیل و تاریخ؛ درآمدی بر چگونگی به کارگیری قوه تخیل در آموزش تاریخ»، تهران: رشد آموزش تاریخ، سال سوم، شماره بی‌دری 9 صص 14-17.
- 10- رشیدیاسمی، غلامرضا. (1309). تاریخ ایران؛ برای تدریس در سال پنجم و ششم ابتدایی، تهران: مطبعه روشنایی، چ اول.
- 11- رشیدیاسمی، غلامرضا. (1317). تاریخ ایران برای تدریس در سال پنجم و ششم ابتدایی، تهران: شرکت مطبوعات، چ یازدهم.
- 12- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. [تاریخ سند: 1316 / عنوان سند: بخش‌نامه؛ لزوم تهیه شیشه و قاب برای عکس‌های تاریخی و نصب آن / شماره سند: 297030218 / شماره میکروفیلم 220/29 کد منشاء سند: وزارت آموزش و پرورش.
- 13- سازمان پرورش افکار. (1318). سخنرانی‌های آموزشگاه پرورش افکار (قسمت دبیران)؛ موضوع: مبارزه با خرافات، سخنران دکتر رضازاده شفق، تهران: فردوسی، بی‌چا.
- 14- وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه. (1313). سالنامه معارف سال تحصیلی 1311-1312 [قسمت دوم]؛ احصائیه مدارس در آخر سنه‌ی تحصیلی 1311-1312. تهران: دایره احصائیه وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، مطبعه روشنایی، بی‌چا.
- 15- سعادت بوشهری، محمدحسین. (بی‌تا - حدود 1332 ق.). تاریخ ایران (مدرسه سعادت بوشهر - بدون عنوان مشخص روی جلد). بی‌جا: بی‌نا، بی‌چا، (چاپ سنگی - محل نگهداری: کتابخانه پژوهشکده معلم، شیراز).
- 16- سیدعلی خان. (1329 ق.). تاریخ عمومی مصور، کاتب علی رضا، تهران: مطبعه آقا محمد مهدی، چ اول. (چاپ سنگی).
- 17- شکرایی، ابوالقاسم. (1318). تاریخچه قسمتی از بناهای تاریخی کشور، اصفهان: چاپخانه عرفان، بی‌چا.
- 18- صحیحی، حبیب‌الله. (1320). دستور آموزش برای دانش‌سرای مقدماتی. تهران: وزارت فرهنگ (چاپخانه فاروس)، بی‌چا.
- 19- صدیق، عیسی. (1329). روش نوین در آموزش و پرورش، تهران: شرکت سهامی چاپ کتاب، چ ششم.
- 20- طباطبایی، سید سعید. (1340). تاریخ مختصر ایران؛ از تکالیف سال سوم و چهارم مدارس، اصفهان: گلپهار، چ سوم، (چاپ سنگی).

- 21- عزت پور، ؟. (1314). تاریخ عمومی؛ برای سیکل اول دبیرستان مشتمل بر تاریخ ممالک مصر، کلد و آشور، بنی اسرائیل، یونان، روم، عرب و قسمتی از تاریخ ایران از سلسله صفاری تا روی کار آمدن سلاجقه، تهران: مظفری (مطبعة سپهر)، چ سوم.
- 22- عسکرانی، محمدرضا. (1388). آموزش تاریخ در روند نظام تعلیم و تربیت ایران [رساله دکترای تخصصی]، گروه تاریخ دانشکده علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه تبریز، استاد راهنما مقصودعلی صادقی، استادان مشاور یحیی کلانتری و سیدداود حسینی نسب، چاپ نشده.
- 23- فارمر، آلن و کوپر، کریستین. (1381). قصه‌گویی در تاریخ، ترجمه و تلخیص جمشید نوروزی و مرجان نگهی، تهران: رشد آموزش تاریخ، سال سوم، شماره پی‌درپی 9 صص 34-39.
- 24- فروغی، محمدعلی (حدود 1325 ق.). دوره ابتدایی از تاریخ عالم [جلد دوم: تاریخ ایران] مصور. با همکاری محمدحسین فروغی، بی‌جا: بی‌نا، بی‌جا، (چاپ سنگی - محل نگهداری کتابخانه مرکزی [ملی]، تبریز).
- 25- فروغی، محمدعلی. (1308). تاریخ مختصر ایران به انضمام عصر پهلوی مخصوص کلاس پنجم و ششم مدارس ابتدایی، تهران: بی‌نا، چ بیست و پنجم.
- 26- فروغی، محمدعلی. (1326 ق.). دوره مختصر تاریخ ایران؛ دارای تصاویر متعدده با هشت صفحه نقشه رنگین برای متعلمین مدارس ابتدایی و اتاق‌های اول مدارس علمی، تهران: چاپ دوم (همراه با اضافات)، (چاپ سنگی - محل نگهداری کتابخانه مرکزی دانشگاه اصفهان، اصفهان).
- 27- فروغی، محمدعلی. (1334). تاریخ مختصر عالم؛ برای سال پنجم و ششم مدارس ابتدایی، تهران: مطبعة مشهدی خداداد، چ اول، (چاپ سنگی).
- 28- فرهودی، حسین. (1313). دوره تاریخ عمومی برای سال اول دبیرستان‌ها، تهران: شرکت مطبوعات (مطبعة یمنی)، چ هشتم.
- 29- فلسفی، نصرالله. (1314). اصول تعلیم و تربیت، تهران: مطبعة مهر، بی‌جا.
- 30- فلسفی، نصرالله. (1316). تاریخ ایران پیش از اسلام؛ سال دوم، تهران: به کوشش مؤسسه وعظ و خطابه، شرکت سهامی چاپ، بی‌جا.
- 31- فلسفی، نصرالله. (1316). تاریخ عمومی در قرن هفدهم و هجدهم، تهران: شرکت مطبوعات، چ اول.
- 32- کریمی، بهمن و فاضلی، رضا. (1314). دوره تاریخ [کتاب اول]؛ شامل خصوصیات تاریخ مصر، کلد و آشور، بنی اسرائیل، فنیقیه، یونان، تهران: شرکت نشر کتاب، چ اول.
- 33- مایر، فردریک. (1374). تاریخ اندیشه‌های تربیتی [2جلد]، تهران: سمت، چ اول.
- 34- مجله معارف. (1307). «طریقه تدریس تاریخ»، تهران: سال سوم، دوره پنجم، شماره 8 (فروردین 1307)، ص 15.

- 35- مشحون، حسن و خزائل، رضا و جلائی فر، علی اکبر. (1334). تاریخ برای سال دوم دبیرستان‌ها؛ شامل ایران - اروپا، تهران: علمی، چ اول.
- 36- ممتحن، حسینعلی. (1368). نهضت شعوبیه؛ جنبش ملی ایرانیان در برابر خلافت اموی و عباسی. بی جا: مؤسسه انتشارات باورداران، چ دوم.
- 37- میرزا حسین خان. (1334 ق.). تاریخ قرون قدیمه عالم [جلد چهارم]؛ از تکالیف سال پنجم مدارس مقدماتی ایران، تهران: کتابخانه علمی، چ اول، (چاپ سنگی - محل نگهداری: (موزه آموزش و پرورش خراسان، مشهد).
- 38- وزارت فرهنگ. (گروه مؤلفان) (1319). کتاب تاریخ برای سال سوم دبیرستان‌ها، تهران: وزارت فرهنگ، (چاپخانه بانک ملی)، بی جا.
- 39- وزارت معارف. (گروه مؤلفان) (1315). کتاب سوم ابتدایی، تهران: وزارت معارف (مطبعه ایران)، بی جا.
- 40- هدایت، مهدی قلی (مخبر السلطنه). (1317). گزارش نامه ایران [در چهار بخش]، کاتب محمد علی مصباحی، تهران: مطبعه اخوان کتابچی، بی جا، (چاپ سنگی).
- 41- هدایت، مهدی قلی (مخبر السلطنه). (1375). خاطرات و خطرات؛ توشه ای از تاریخ شش پادشاه و گوشه‌ای از دوره زندگی من، تهران: زوار، چ پنجم.
- 42- مارنی هیوز، وارینگتن. (1386). پنجاه متفکر کلیدی در زمینه تاریخ، ترجمه محمدرضا بدیعی، تهران: امیرکبیر، چ اول.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی